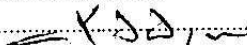


www.ketab.ir

دین‌شناسی

سرشناسه: جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۱۲-
 عنوان و پدیدآور: دین شناسی / مولف: آیت الله جوادی آملی ..
 ویرایش: حجت الاسلام سعید بندعلی .
 مشخصات نشر: قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰.
 مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۸۴-۶۶-۱
 یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: دین - فلسفه.
 شناسه افزوده: مصطفی پور، محمدرضا.
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۰ ۹۵۹ ج/ ۵۱ BI
 رده بندی دیویی: ۲۱۰ / ۱
 شماره کتابخانه ملی: ۱۷۴۴۸- ۸۱

بخش پژوهشی فلسفه، عرفان و کلام اسلامی

- کتاب: دین شناسی
- مؤلف: آیت الله جوادی آملی (دام ظلّه العالی)
- تحقیق و تنظیم: حجت الاسلام محمد رضا مصطفی پور
- ویرایش: حجت الاسلام سعید بندعلی
- ناشر: مرکز نشر اسراء
- حروف نگاری و صفحه آرایی: مرکز نشر اسراء
- چاپخانه: مرکز چاپ اسراء
- نوبت چاپ: یازدهم
- سال نشر: تابستان ۱۴۰۳ هـ. ش
- شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۹۸۴ - ۶۶ - ۱
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: 

همه حقوق طبع محفوظ است

آدرس: قم، بلوار ۷۵ متری عمار یاسر، نبش خیابان قدوسی، بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء

تلفن: ۳۷۷۶۵۳۵۶ - ۳۷۷۶۵۳۵۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۱۸۲

پست الکترونیک: nashresra@gmail.com

<http://nashresra.ir>



فهرست اجمالی موضوعات

سخن ناشر ۱۳

پیش‌گفتار ۱۷

فصل یکم. تعریف دین

۲۳

دین حق و دین باطل ۲۸

تبیین دین حق به علل چهارگانه ۲۹

تبیین دین باطل به علل چهارگانه ۳۲

واحد بودن دین حق و تعدد دین باطل ۳۴

فصل دوم. منشأ دین

۳۵

الف. معنای یکم منشأ دین (پیدایی دین) ۳۷

ضرورت الهی بودن دین ۴۰

راه‌های اثبات ضرورت نبوت ۴۰

راه یکم. روش امام صادق علیه السلام ۴۰

راه دوم. روش متکلمان ۴۲

راه سوم. روش حکما ۴۳



۴۴	راه چهارم . روش عرفا
۴۶	راه پنجم : نیاز انسان به تهذیب اخلاق
۴۷	ب . معنای دوم منشأ دین (علت دین داری)
۴۸	علت اصلی گرایش به دین
۵۰	علل فرعی گرایش به دین
۵۱	۱ - شناساندن خدا و دین با روش مطلوب
۵۱	۲ - عمل کرد متولیان دین
۵۲	۳ - رحمت و رأفت مسؤولان
۵۳	۴ - اقتصاد
۵۳	۵ - قیام رهبران الهی در شرایط ظلمانی
۵۴	علل گریز از دین
۵۴	۱ . عدم شناخت جهان ، انسان و دین
۵۵	۲ . تفسیر ناروا از دین
۵۷	ج . معنای سوم منشأ دین (ضرورت گرایش به دین)

فصل سوم . گوهر و صدف دین

۵۹	
۶۱	تفسیر یکم از گوهر و صدف دین
۶۴	تفسیر دوم از گوهر و صدف دین
۶۶	تفسیر سوم از گوهر و صدف دین
۶۷	تفسیر چهارم از گوهر و صدف دین
۷۰	تفسیری صحیح از لُب و قشر
۷۳	وحدت گوهر همه ادیان

فصل چهارم . زبان دین

۷۵	
۷۷	ویژگی های عمومی زبان دین



۷۸	زبان قرآن
۸۰	آیات همگانی بودن فهم قرآن
۸۳	نکاتی درباره فهم قرآن
۸۶	شیوه‌های تبیین معارف در قرآن
۸۷	نمونه‌ای از بهره‌گیری قرآن از برهان و تمثیل
۹۰	گزاره‌های دینی
۹۱	انواع گزاره‌های قرآنی
۹۱	الف. گزاره‌های اخباری
۹۳	ب. گزاره‌های انشایی
۹۴	ج. گزاره‌های تمثیلی
۹۵	کاربردهای مثل در قرآن کریم
۹۷	زبان علم و زبان دین
۱۰۰	فرق قرآن با دیگر کتاب‌های علمی
۱۰۱	روش‌های قرآن کریم
۱۱۰	معناداری و اثبات‌پذیری گزاره‌های دینی
۱۱۳	زبان دین و گزاره‌های اعتقادی

فصل پنجم. عقل و دین

۱۱۹	جایگاه عقل از نظر متفکران غربی
۱۲۱	نقش عقل در نظام اعتقادی از نظر متفکران غربی
۱۲۴	عقل و دین در تفکر اسلامی
۱۲۵	تعبیر عقل و نقل به جای عقل و دین
۱۲۶	نکاتی درباره رابطه عقل و نقل
۱۲۶	شناخت عقل

۱۳۱	جایگاه عقل
۱۳۲	عقل نظری و عقل عملی در حکمت و فلسفه
۱۳۴	مواد و زیربنای حکمت نظری و حکمت عملی
۱۳۶	حجیت ادراک عقل در حکمت عملی
۱۳۶	فرق برهان عقلی با قیاس فقهی
۱۳۹	فرق عقل با بنای عقلا
۱۴۰	عقل در علم کلام
۱۴۱	مراحل بحث از حسن و قبح
۱۴۱	اشاعره و بحث حسن و قبح عقلی
۱۴۳	پیامدهای انکار حسن و قبح عقلی
۱۴۴	سخنی دیگر درباره حسن و قبح
۱۴۶	عقل انسان کامل، رابط تکوین و تشریح
۱۴۸	مراد از ذاتی در حسن و قبح ذاتی
۱۴۹	رد استدلال منکران حسن و قبح عقلی
۱۵۰	دلایل قائلان به حسن و قبح عقلی
۱۵۱	راه‌یابی عقل در عرصه اجتهاد
۱۵۴	بررسی دلیل عقلی در علم اصول
۱۵۶	عقل دینی و فلسفی
۱۵۶	کاربرد عقل در متون نقلی دین
۱۶۰	استدلال‌های انبیا و اولیای الهی
۱۶۱	استدلال عقلی حضرت ابراهیم خلیل <small>علیه السلام</small> در قرآن
۱۶۳	استدلال عقلی در روایات
۱۶۴	توهم ممنوعیت مطلق سؤال در قرآن



- ۱۶۵ رد ممنوعیت مطلق سؤال
- ۱۶۸ سؤال از پیامبر درباره خدا
- ۱۶۹ فراخوانی قرآن به عقل و استدلال
- ۱۷۰ شبهه تعارض عقل و دین
- ۱۷۱ پاسخ یکم . عدم راهیابی عقل به جزئیات دین
- ۱۷۳ پاسخ دوم . فرق گذاشتن میان وهم و عقل
- ۱۷۴ عدم کفایت عقل
- ۱۷۴ دفاع عقلانی از دین
- ۱۷۶ دفاع عقلی از همه معارف متون دینی
- ۱۷۸ تأکید قرآن بر ایمان و عمل صالح
- ۱۷۹ عقلانی بودن ایمان
- ۱۸۳ فصل ششم . پلورالیزم دینی**
- ۱۸۶ تکثرگرایی برون دینی و درون دینی
- ۱۸۷ جایگاه بحث در علم کلام
- ۱۸۹ عدم امکان تنوع ادیان
- ۱۹۰ علت تعدد شریعت و منهاج
- ۱۹۱ وحدت کثیر و کثرت واحد
- ۱۹۲ اقسام کثرت
- ۱۹۵ امکان زندگی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر
- ۱۹۶ معیار زندگی مسالمت آمیز
- ۱۹۸ دعوت اسلام برای زندگی مسالمت آمیز
- ۲۰۰ نفی تسامح و تساهل در دین

- ۲۰۳ تسامح در ادله سنن
- ۲۰۴ استقبال از اظهار نظر دیگران
- ۲۰۵ کثرت تشکیکی یا نسیت ادیان
- ۲۰۷ مبانی پلورالیزم
- ۲۰۷ ۱. نسیت در فهم و رابطه آن با تکثر
- ۲۰۷ ۲. تأثیرپذیری واقعیت از درك انسان
- ۲۰۸ نقد نسیت در فهم
- ۲۰۹ نقد تأثیرپذیری واقعیت از درك انسان
- ۲۱۱ پلورالیزم، زاینده شکاکیت و سوفسطایی گری
- ۲۱۲ معرفت انسان کامل به جهان هستی
- ۲۱۳ رابطه روش های دین شناسی و پلورالیزم
- ۲۱۵ برهان عقلی، راه صحیح دین شناسی
- ۲۱۵ عدم اثبات دین حق به کمک تجربه
- ۲۱۸ چگونگی دست یابی به حق
- ۲۲۰ اسناد پلورالیزم به مولوی
- ۲۲۲ پلورالیزم دینی از نگاه قرآن
- ۲۲۲ سوره کافرون و پلورالیزم
- ۲۲۳ نفی پلورالیزم در سوره بقره
- ۲۲۶ سه برداشت تفسیری
- ۲۲۷ حقایق ادیان و شریعت های گذشته
- ۲۲۹ پلورالیزم درون دینی
- ۲۳۲ علت تحمل پذیری کثرت در مذاهب یا علوم
- ۲۳۳ لزوم رعایت احتیاط



۲۳۵	عرفان و پلورالیزم
۲۳۵	فقه عبوس و عرفان زیبا
۲۳۸	پی آمدهای پلورالیزم
۲۳۸	وحی و تجربه دینی و رابطه آن با پلورالیزم
۲۳۹	۱. اقسام یقین
۲۴۰	۲. اقسام علم
۲۴۱	۳. حقیقت وحی
۲۴۲	۴. مصونیت وحی از خطا
۲۴۴	۵. تفاسیر گوناگون تجربه دینی
۲۴۴	۶. تجربه دینی متدینان
۲۴۷	فرق وحی و تجربه عرفانی
۲۴۹	فرق عرفان و اخلاق
۲۵۰	تفکیک شریعت و فقه برای حل پلورالیسم

سخن ناشر

مقوله مهم و اساسی دین، سابقه‌ای به امتداد تاریخ بشر و لاحق‌های به استمرار پایان جهان دارد. طول و عرض زمان را همراهی کرده، به گونه‌ای که هیچ دورانی و هیچ مکانی نبوده که حقیقت دین حضور و ظهور نداشته باشد. دین با انسان متولد شده و تا همه جا با انسان می‌ماند و دمی او را رها نکرده و انزوا و خلوتی جز جان و نفس انسانی ندارد.

او همانند پدیده‌های طبیعی گاهی در اوج و علو، و گاهی در حسیض و دنو است. با قیام انبیا و اولیا قایم و ایستا، و با غروب و افول آنان آفل و زایل می‌شود. در روزگاری که حق‌مداران و خداپرستان فایق و فاتحند، دین رقص کنان و هلهله‌زنان در ذهن‌ها و زبان‌ها، در عقل‌ها و قلب‌ها و در بیان‌ها و بنان‌ها در حرکت و حضور است و هر زمان که طاغوتیان و شیطان‌مداران جولان می‌دهند و توهم فتح و ظفر دارند، دین زانوی غم در بغل گرفته، به کناری پناه می‌گیرد و تازیانه‌های جهل و گمراهی، بدن لطیف و ظریفش را نوازش می‌کند.

در روزگار ما نیز دین از این سنت مستمر، جدا و مستثنا نیست؛ تا پیش از تحوّل و انقلاب شگرف اسلامی، به دلیل حضور طاغوتیان و منکران و جاحدان، دین می‌رفت که از صحنه بشری به کلی خارج شده و بساط آن برچیده شود، ولی با قیام و اقدام شجاعانه و قدرت‌مندانه حق‌مداران، دوباره به صحنه اجتماع بازگشت و با لباسی نو و تازه، و با طراوتی خاص و ویژه در عرصه‌های گوناگون

حضور یافت. آمد تا با طراوت و لطافت ذاتی اش جامعه را با همه شووناتش و نفس انسانی را با همه ظهوراتش روشن و منور کند و با طهارت و پاکی اش شست و شوده‌نده همه تیرگی‌ها و کدورت‌ها باشد.

اما دو جریان مهم، همواره مانع این حرکت بوده و هست و تا این دو زدوده نشود، حضور دین با قوت و صلابت نیست، و چه بسا موجب پس‌رفت دین و حرکت فردی و اجتماعی باشد.

مانع اول، درونی است؛ دین حقیقتی مجرد و روحانی است (نه مادی و جرمانی)، لذا تا دیده مجزوبین حاصل نشود و با سلاح تجرد و عقل و قلب سلیم به او نگریسته نشود، حجاب طبیعت و غبار مادیت فرصت شهود محض و نگاه خالص به آن را نمی‌دهد. تنها هجرت از رجز طبیعت و مهاجرت از رجز مادیت است که امکان حضور در خدمت دین را می‌دهد تا آن گونه که هست شناخته شود. آنان که می‌خواهند از روزنه حس و تجربه یا از پنجره محدود طبیعت، به حقیقت ماورای طبیعت دین دست یابند، مقذورشان نیست، لذا همیشه آن را در هاله‌ای از ابهام و تیرگی دیده، بر همین مبنا قضاوت می‌کنند؛ گاهی به ناتمامی و نارسایی دین فتوا میدهند و سعی در برکناری این حقیقت ناقص و غیرضروری دارند و گاهی به قدسی بودن و استحاله نزول آن حکم کرده و او را محترم و با حرمت‌تر از آن می‌دانند که به عالم طبیعت تنزل کند.

در روزگار ما این جریان فکری و این منظر تنگ و تاریک بر شرق و غرب طبیعت سایه افکنده و فضای غالب فکری و ذهنی جوامع، خصوصاً اجتماعات غربی را به خود مشغول داشته است؛ گرچه سایه‌های آن، ذهن عده‌ای از روشن‌فکران جامعه ما را نیز آلوده و تیره کرده است.

مانع دوم، بیرونی است؛ آنان که به قدرت و توان‌مندی دین پی برده و متوجه

شدند که دین ماهیتی قدرت‌مند و با صلابت دارد - یعنی هم در متن دین، همه فتنه‌گری‌ها تعریف شده و هم بر مبارزه با فتنه‌گران به صورت صریح و قطعی تأکید شده است - و از طرفی خود نیز به دنبال تأمین آرزوها و خواسته‌های کاذب نفسانی در پی استعمار جهان و استثمار عالمیان هستند، به اتکای قدرت نظامی، سیاسی، صنعتی و الکترونیکی خود، ارادهٔ اجحاف و سلطهٔ بر جوامع را دارند و می‌خواهند دین را به هر شکل ممکن از عرصهٔ بشری به کناری زده و انسان را هم از درون و هم از بیرون از سلاح دین سلخ کنند: ﴿لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرَدَّوْكُمْ عَنِ دِينِكُمْ إِنَّ اسْتِطَاعُوا﴾^۱ تا بتوانند با خلع سلاح بشر بر او بتازند و از مغز تا معدن او را در تحت سیطرهٔ خویش درآورند.

این جاست که این دو گروه خواسته یا ناخواسته هدف مشترک پیدا کرده و هر دو، تا براندازی ساختار دین و برکنش ریشه‌های دین، دست در دست یک‌دیگر به پیش می‌روند.

از این جایگاه، رسالت دین‌مداران و آنان که دین را به مثابهٔ آب حیات دانسته و با او زنده و بدون او مرده‌اند، خطیرتر و ضروری‌تر می‌شود؛ با دستی باید مانع اوّل را کنار زد تا درون روشن دین، قربانی ظاهر ساخته شدهٔ اذهان و افکار غیرحرفه‌ای و نامحرمانه نشود، و با دستی دیگر، مانع دوم را برکنند و با او به مقابله برخاست. این جاست که سلاح اجتهاد و جهاد - به صورت مشترک - به سمت دشمن نشانه می‌رود و مداد علما با دماء شهدا سیلی بنیان‌کن برای رفع هرگونه فتنهٔ علمی و آشوب عملی است.

کتاب حاضر که از افکار و آثار «حضرت استاد آیه الله جوادی آملی» است، در جهت تبیین و تحلیل و روشن کردن چراغ دین و سراج هدایت اسلام است.



بدیهی است که شبهات و پرسش‌های روز نسبت به مقولهٔ دین بسیار متفاوت از گذشته است؛ خصوصاً این که همهٔ تجربیاتی که غرب از زمان رنسانس و تجددگرایی تاکنون در مبارزهٔ با دین پیدا کرده، امروز در غالب شبهات دینی بومی شده و در افکار عمومی، خصوصاً جوانان ارزش‌مند و با طهارت جامعهٔ ما راه پیدا کرده است. لذا، از این منظر، این کتاب با توجه به وضعیت فکری و فرهنگی روز، در فصولی هماهنگ و مترتب، عرضه می‌شود.

در فصل اول، تعریفی از دین ارایه شده و تمایز بین دین حق و دین باطل و وحدت دین حق و تعدد دین باطل بیان می‌شود. در فصل دوم به منشأ و مبدأ دین پرداخته شده که دین مبدئی الهی و ربوبی دارد و راه‌های اثبات و ضرورت دین نیز از عقل و نقل یادآوری می‌شود. در فصل سوم، پیرامون گوهر و صدف دین گفت و گو و روشن‌نم است که گوهر همهٔ ادیان حقیقی، واحد است. در فصل چهارم، ویژگی بارز زبان دین توضیح داده شده که دین با چه زبانی سخن می‌گوید و مخاطبان خود را چگونه هدایت می‌کند. در فصل پنجم، پیرامون مسأله عمدهٔ عقل و دین، و تعامل این دو، و نیز تفکرات و توهمات که راجع به جدایی یا بیگانه بودن این دو نسبت به هم دیگر است گفت‌وگو می‌کند و در فصل ششم - که آخرین فصل کتاب است - کثرت‌گرایی دینی و نظراتی که پیرامون این توهم وجود دارد، ارزیابی می‌شود.

این مجموعهٔ نفیس با تلاش جدی و مستمر استاد محترم، جناب «حجة الاسلام آقای مصطفی پور» که در این رشته نیز آگاهی و شناخت کافی دارند، تهیه شده و نشر اسراء بر خود لازم می‌داند که از این برادر محقق و گران‌مایه تقدیر کند. همچنین از جناب «حجة الاسلام، آقای سعید بندعلی»، به جهت ویرایش این اثر تشکر می‌شود.

پیش‌گفتار

دین، همزاد انسان است و بشر از آغاز آفرینش خود، نیاز به دین را همواره در خویشتن می‌یافت و با عطش فطری در پی آن می‌رفت تا با رسیدن به زلال آن، این عطش را برطرف، و خود را سیراب کند. از این رو، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان با این‌که در قرون گذشته از انسان به موجود «مستوی القامة» و ابزار ساز و سیاست‌ورز تعبیر می‌کردند، اما امروزه از او به عنوان موجود دین‌ورز سخن می‌گویند؛ زیرا محققان با پژوهش‌های تاریخی خویش، هیچ قومی از اقوام بشری را نیافته‌اند که صاحب نوعی دین نبوده باشند؛ چنان‌که جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، بیش از نود و پنج درصد انسان‌ها را معتقد به خداوند، و متدین به دینی از ادیان می‌داند و این واقعیت، مُبطل این نظریه است که با پیش‌رفت اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط می‌یابد. سرّش این است که انسان، دارای سرشت و فطرت دینی است و هویت بافت وجودی او در متن خلقت با دین عجین شده است.

از آن‌جا که دین‌خواهی در متن خلقت انسان نهاده شده است، «پیتر برگر» از جامعه‌شناسان برجسته جهانی در مقاله‌ای با نام موج سکولار زدایی از جهان می‌نویسد:

«باید اذعان داشت که نمی‌توان گفت: ما در جهانی سکولار زندگی می‌کنیم. جز چند مورد استثنا، جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم - همانند

گذشته - آکنده از احساسات دینی است و در برخی مناطق، این احساسات بسی پیش‌تر از گذشته است.^۱

وی در بخش دیگر، پیش‌بینی افول دین را در دهه ششم قرن بیستم غلط دانسته، می‌نویسد:

«با آن که اصطلاح «نظریه سکولاریزاسیون» می‌تواند در برگزیده آرا، افکار و مطالبی باشد که در خلال دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ منتشر شده‌اند، ولی می‌توان ریشه اصلی این نظر را عمدتاً در عصر روشن‌گری جست‌وجو کرد. ایده ساده‌ای است که نوگرایی لزوماً به افول دین، هم در جامعه و هم در نظر افراد منجر خواهد شد، ولی همین ایده بسیار ساده، غلط از آب درآمده است».^۲

همچنین او در قسمت دیگری از این مقاله از خیزش اسلامی یاد کرده، می‌گوید:

«این خیزش، در واقع، احیای مذهب و مؤکد تعهدات دینی است که پهنه جغرافیایی گسترده‌ای را در بر گرفته است؛ هر جا حرکت اسلامی ریشه دوانده است، نه تنها سبب احیا و تجدید عقاید اسلامی گردیده، بلکه از سبک زندگی اسلامی نیز که در بسیاری موارد با تفکرات جدید سازگاری ندارد، حمایت می‌کند... این حرکت در جوامع رو به رشد مسلمان در اروپا، و به میزان کم‌تری در آمریکای شمالی نمود بیش‌تری داشته است. تجدید حیات اسلامی، چنان‌که برخی روشن‌فکران پیش‌رو اعتقاد دارند، محدود به بخش‌های عقب افتاده اجتماع که کم‌تر با پدیده نوگرایی آشنا شده‌اند نیست؛ برعکس، این حرکت در شهرهایی گسترش یافته که پدیده

۱. افول سکولاریزم، ص ۱۸.

۲. همان.



نوگرایی به میزان قابل توجهی در آن جا رسوخ کرده است.^۱

این جامعه‌شناس، پس از طرح مسأله تجدید حیات دین در عرصه جهانی، به پاسخ سؤال از خاستگاه خیزش دینی در عرصه جهانی می‌پردازد و در آغاز، دو پاسخ زیر را مطرح می‌کند:

۱. به لحاظ این که نوگرایی سعی دارد در قطعیت‌هایی که مردم در طول تاریخ با آن زیسته و خو گرفته‌اند، شبهه و شك ایجاد کند و ایجاد شك و شبهه در قطعیت‌های مردم برای آنان ناراحت‌کننده و غیر قابل تحمل است، حرکت‌های دینی که ادعای ارایه قطعیت‌ها به مردم را دارد، بین آن‌ها مقبولیت عام پیدا می‌کند.

۲. حرکت‌های دینی، مقاومتی در برابر نخبگان فرهنگی سکولار است و چون جایگاه دیدگاه‌های سکولاری محض در میان نخبگان فرهنگی جامعه است، بسیاری از مردم، این دیدگاه‌ها را مردود می‌شمارند و از این رهگذر، حرکت‌های دینی در بین مردم مقبولیت می‌یابد.

اما این جامعه‌شناس، گویا پاسخ‌های یاد شده را دلیل مقبولیت حرکت‌های دینی در بین مردم ندانسته، بلکه سرّ مقبولیت دین و حرکت‌های دینی را در گرایش همیشگی انسان به دین و بدیهی بودن آن یافته است. لذا می‌نویسد:

«از يك جهت با امری بدیهی روبه‌رو هستیم؛ احساسات پر شور دینی همیشه وجود داشته است. آنچه نیاز به توضیح و اثبات دارد، فقدان و خلأ دین است، نه حضور آن».^۲

بنابراین، دین، خواست و نیاز طبیعی انسان است. دین، گرچه ممکن است به شکل موقت از صحنه زندگی انسان حذف شود، اما سرانجام به آن باز می‌گردد و

۱. افول سکولاریزم، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۲۷.

لزوماً انسان زندگی خود را با آن همگام و هماهنگ می‌کند.

انسان در فطرت و نهاد خود به دین گرایش دارد؛ اما برای این که دین حق را در بُعد اندیشه علمی و انگیزه عملی بیابد، باید اقدام به پژوهش و تحقیق کند و محققانه آن را بپذیرد و متحققانه به آن معتقد، و به برنامه‌های عملی آن پای بند شود.

دین‌شناسی، گرچه در تاریخ بشر، پیشینه‌ای برابر با خود دین دارد - زیرا انسان تا چیزی را نشناسد آن را نپذیرفته، از آن تبعیت نمی‌کند - اما بررسی ضابطه‌مند دین و شناخت آن با تکیه بر اصول و مبانی تحقیق، در جهان جدید و عصر کنونی، اهمیت فوق العاده دارد و برای همگان ضروری است. از این رو، دین پژوهی در جامعه فکری و دینی این زمان، مورد توجه رشته‌های مختلف و متنوع علمی قرار گرفته است و هر گروهی از رشته‌های علمی، به تحقیق و پژوهش ابعاد مختلف دین می‌پردازد؛ چنان‌که از دیرباز تا کنون، مسلمانان با صبغه‌های فلسفی، کلامی و عرفانی و با مراجعه به متون دینی به شناخت دین مشغولند.

در جهان غرب نیز با روی کردهای خاصی به شناخت دین می‌پردازند؛ گاهی با صبغه فلسفی، گاهی با صبغه عرفانی و گاهی با صبغه جامعه‌شناختی و ... به مطالعه و شناخت دین اقدام می‌کنند. از این رو، شاخه‌های مختلفی در دین پژوهی پدید آمده است که رشته فلسفه دین نیز از آن‌هاست.

فلسفه دین، به یک معنا، دنباله تمایل فطری انسان به تفکر جدی پیرامون موضوعات بسیار مهم دینی است که به تفکر فلسفی درباره دین می‌انجامد.

درباره تعریف فلسفه دین، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی می‌گویند: فلسفه دین، چون فلسفه مضاف است و همان‌گونه که فلسفه علم، فلسفه تاریخ، فلسفه حقوق و امثال آن از نوعی ابهام رنج می‌برند و این ابهام ناشی از تلقی‌های گوناگون از ماهیت فلسفه و نیز ماهیت رشته مورد مطالعه - یعنی علم، تاریخ،

حقوق و دین است^۱ - تعریف فلسفه دین نیز مشکل است؛ اما در عین حال می توان گفت: فلسفه دین کوششی برای تحلیل و بررسی انتقادی اعتقادات دینی است^۲.

برخی نیز می گویند: زمانی فلسفه دین کلاً به معنای تفکر فلسفی پیرامون دین، یعنی دفاع فلسفی از اعتقادات دینی دانسته می شد... غایت آن، اثبات وجود خدا از طریق براهین عقلی بود^۳. اینان همچنین می گویند: فلسفه دین، مفاهیم و نظام های اعتقادی دینی و نیز پدیده های اصلی تجربه دینی و مراسم عبادی، و اندیشه ای را که این نظام های عقیدتی بر آن مبتنی است، مورد مطالعه قرار می دهد^۴.

بعضی نیز معتقدند: اکنون، بیش تر فیلسوفان احساس می کنند که می توانند هر جنبه ای از دین، از جمله تعالیم یا اعمال ویژه ادیان را از لحاظ فلسفی بررسی کنند. بررسی فلسفی این تعالیم و اعمال، نه فقط ارزش مند است، بلکه غالباً نیز مسائلی را پیش می آورد که برای حوزه های فلسفی دیگر سودمند است؛ چنان که تأمل درباره مفهوم «تطهیر» در مسیحیت بر برخی از مباحث معاصر پیرامون ماهیت آزادی اراده، پرتو افشانی می کند^۵. به دیگر سخن، فلسفه دین، موضوعات و مسائلی را مورد تأمل و دقت قرار می دهد که به اعتقادات دینی و ماهیت و صدق آن - نظیر خدا و جاودانگی انسان - و همچنین اعمال دینی و معنای آن می پردازد.

فلسفه دین با مطالعه خدا باوری، مسائل گوناگون درباره خدای سبحان را مطرح و بررسی می کند. نیز مسأله جاودانگی و ابدیت انسان و پایان ناپذیری او با مرگ و ادامه حیات او در جهان دیگر - که از تعالیم مشترک ادیان است - در این رشته تحقیق

۱. ر.ك: فلسفه دین، ص ۲۲.

۲. ر.ك: عقل و اعتقادات دینی، ص ۲۷.

۳. ر.ك: فلسفه دین، ص ۲۱.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. ر.ك: جستارهایی در فلسفه دین، ص ۹.



و تفسیر می‌شود و نیز با توجه به این‌که رأی مؤمنان این است که امور خاصی برای زندگی دینی ضروری است و خداوند آن‌ها را وحی کرده و این وحی نیز در کتابی مقدس، نظیر قرآن مسلمانان و عهد عتیق و جدید مسیحیان ضبط شده است، چگونگی مفاهیم این متون مقدس و روش تفسیر آن‌ها مسائل فلسفی فراوانی را دامن زده است. بنابراین، قلمرو فلسفه دین، بسیار گسترده است و موضوعات فراوان دینی، در آن مطالعه می‌شود.

کتاب حاضر، برخی مباحث حوزه فلسفه دین را در شش فصل بررسی کرده، پیش روی اهل مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد؛ فصل اول آن به تعریف جامع دین می‌پردازد؛ زیرا از دین تعاریف متنوع و گوناگونی ارائه شده که برخاسته از تلقی‌های مختلف از دین است. فصل دوم، منشأ دین و معانی مختلف آن را بیان می‌کند. فصل سوم، مسأله گوهر بودن برخی موضوعات دینی و صدف بودن بعضی دیگر و نیز درستی یا نادرستی این تفکیک را تحقیق می‌کند. فصل چهارم به بیان زبان دین و فرق آن با زبان علم و زبان عرف پرداخته، خصوصاً زبان قرآن و ویژگی‌های آن را مطرح می‌کند. فصل پنجم، موضوع هماهنگی و همبستگی همیشگی عقل و دین، و نسبت بین آن دو را بررسی و ارزیابی می‌کند و سرانجام، فصل ششم به بررسی موضوع پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی می‌پردازد.